



تعلیم قرآن بنو آموزان

فصلی از کتاب تاریخ قرآن مجید

بقلم :

آقای علی اصغر حکمت



104.

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE3520

RECEIVED 1996-11-11

تعلیم قرآن بنوآموزان

فصلی از کتاب تاریخ قرآن مجید

بقلم آقای : علی اصغر حکمت

دیانت اسلام هم از بدو ظهور خود طلب علم را بر هر مسلمان از زن و مرد واجب و فریضه ساخته است. در معنای علم مذکور در حدیث شریف «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» ائمه و مشایخ اسلام را از صدر اول تا کنون سخن بسیار است : بسیاری بر آن رفته اند که مقصود از علم همانا «علم» بکتاب و سنت است که دو اصل علم شرع^۱ و مایه فلاح و سعادت دارین میباشند ، و استدلال نمایند بدو آیت از کتاب مبین که در آن امر به تدبّر و مطالعه در قرآن مجید فرموده است :

یکی در آنجا که فرمود : - « افلا یتدبرون القرآن ولو کان من

عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً » ۸۴:۴

و دیگر آنکه گفت :- « افلا يتدبرون القرآن أم على قلوب

أقفالها » ۲۶:۴۷

پس تدبر در قرآن و تفکر در معانی آن را بر هر مسلمان واجب شناخته اند و چون این تدبر و مطالعه را مقدماتی ضرور است که از جمله معرفت با سالیب کلام الهی و علم بمفردات و ترکیب جمل و آیات و شناختن معانی آن هاست، از این سبب هم از بدو تاریخ اسلام تعلیم قرآن مجید در نزد پیروان دین حنیف از فرائض دینی و جزء تکالیف شرعی ایشان قرار گرفت. این تعلیم را منحصر به افراد مکلف بالغ ندانستند بلکه بدو علت لازم آمد که صبیان و کودکان را هم از ابتدای شہاب که زمان درک فضیلت و کسب دانش است بقرآن مجید آشنا سازند تا اولاً با اصول تعلیم الهی و زبان قرآن شریف مأنوس و معتاد گردند و حب دین در آنها ملکه راسته گردد و ثانیاً از برکات انوار غیبیه کتاب مبین و از میامن قرائت آن سعادت معنوی و حسن عاقبت نصیب ایشان شود.

بنابر این تعلیم قرآن بکودکان یکی از سنن متداول و معمول دوسر اسر ممالک اسلامی گردید، و فقها بر استحباب بلکه بر وجوب آن فتوی دادند و گفتند :
 « لَانَّ الصَّبِيَّ إِذَا تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ بَلَغَ وَ هُوَ يَعْرِفُ مَا يُصَلِّي بِهِ ، وَ حَفْظُهُ فِي الصَّغِيرِ أُولَى مِنْ حَفْظِهِ كَبِيرًا وَ أَشَدُّ عِلْوًا بِخَاطَرِهِ وَ أَرْسَخَ وَ اثْبَتَ »^۱
 و استدلال کردند به شخص ابن عباس تلمیذ علی ابن ابیطالب (ع) در زمانی که پیغمبر ص وفات یافت و وی طفلی دهساله بود با اینحال سور مفرله یعنی سور قصار آخر قرآن را در حفظ داشت.^۲

احادیث و روایات در فضیلت تعلیم قرآن مجید به صبیان - هم از طریق عامه و هم از مجاری خاصه بسیار است که در مجموعهات مفصله حدیث و مسندات و صحاح یافت میشود.

۱ - فضائل القرآن . ابن کثیر - قاهره ص ۱۵۳

۲ - ایضاً ، ص ۱۵۴

بعضی از آن جمله را که دلالت صریح بر مقصود دارند برای مزید فایده در اینجا نقل میکنیم :

از طریق شیعه امامیه (۱) (۲)

۱ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) : - « مَنْ قَرَأَ (۳) الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ

الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ ... » الى آخر.

۲ - ایضاً عن ابی عبدالله (علیه السلام) : - « تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ صَاحِبَهُ

فِي صُورَةٍ شَابٍّ جَمِيلٍ ... » الحديث بطوله .

۳ - ایضاً عن ابی عبدالله (علیه السلام) : - « إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ وَ يَحْفَظُهُ

بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَقَلَّةٍ حَفِظَ فَلَهُ أَجْرَانِ . »

۴ - ایضاً عنه : - « يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَلَّا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ أَنْ

يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ ... »

اما احادیث از طریق عامه - اهل سنت و جماعت : (۴) (۵)

۱ - من حدیث ابی هریره : - « وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَعْلَمُ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ إِلَّا تَوَجَّ يَوْمَ

الْقِيَمَةِ بِتَاجٍ فِي الْجَنَّةِ »

۲ - من حدیث معاذ بن انس : - « مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَكْمَلَهُ وَعَمَلَ بِهِ الْبَسَّ

وَالدُّهُ تَاجًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ ضَوْئُهُ أَحْسَنُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ ... » الى آخر .

۱ - اصول کافی، تهران ص ۴۴۱

۲ - بحار الانوار ج ۹ باب ۳۰

۳ - قرأ: ای تعلم

۴ - البخاری، صحاح

۵ - الاتقان، جلد ۲ ف ۷۲

۳ - من حدیث عائشة :- «الماهر بالقرآن مع السفرة الكرام البررة....»

والذى يقرأ القرآن و ينتفع فيه وهو عليه شاق فله اجران ...»

۴ - من حدیث عثمان :- « ان خيركم من تعلم القرآن وعلمه زاد »

۵ - من حدیث ابن عباس :- « ان الذى ليس فى جوفه شىء من القرآن

كالبيت الخرب »

ظاهراً تعليم آیات قصار باطفال هم از زمان خلافت عمر بن الخطاب معمول گردید ، و اومستحب دانست که کودکان را آیاتی که از پنج یا ده تجاوز نکند بتفاریق بیاموزند^۱

از اینجاست که بعدها در دبستانها «سر عشر» متداول و معمول گشت و «سر عشر» سبقی باشد که در آن ده آیت می نوشتند تا نو آموز به رفق و تدریج آنها را بیاموزد. خاقانی در قصیده حکیمانه خود که دل را بمعلم و نفس را بشاگرد و سرزانیوی مراقبه و تفکر را به دبستان و دم تسلیم را بسبق تشبیه کرده است اشاره به سر عشر مینماید و میگوید :

« دل من پیر تعلیم است و من طفل زبانداش ،
دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش .
همه تلقینش آیاتی که خاموشی است تأویلش ،
همه تعلیمش اشکالی که نادانی است برهانش . »

تشویق خلائق به تعلیم قرآن باطفال خود در مکاتب دیار اسلام در کتب دین و اخلاق و تعلیم دانشمندان بسیار یافت میشود : حجة الاسلام محمد غزالی که تا امروز تعلیم او در سراسر عالم اسلامی دستور جامع و متبع است بابتی در کتاب خود در باره « رياضة الصبيان فى اول نشوءهم » آورده^۲ و در آنجا میگوید : « بدانکه

۱ - فضائل القرآن : ابن کثیر ص ۱۵۴

۲ - احیاء العلوم ، باب ۲ کتاب ۲

طریق ریاضت کودکان از مهمات امور است و کودک امانتی است نزد پدر و مادر، و دل پاک او گوهری گرانبهاست که از هز نش و نگار پاک و پیراسته، و برای قبول هر صورت نیکوآماده است ... «آنگاه پس از ذکر مقدمه طولانی در دستور رضاع و حفظ و آداب خوردن و نوشیدن و نشست و برخاست و غیره میگوید: «ثم يشغل في المكتب فيتعلم القرآن والاحاديث والاخبار وحكايات الابرار و احوالهم ليتغرس في نفسه حب الصالحين ...»

سپس در ذکر حکایت شیرینی که از سهل بن عبدالله التستری^۱ نقل کرده و در آنجا از زبان خود او میگوید:

«فبعثوا بي الى المكتب فقلت اني لاخشي ان يتفرغ علي همي و تعلمت القرآن وحفظته و انا ابن ثلاث عشر سنة»

این بود نظر غزالی که قدوه ائمه دین و پیشوای مشایخ مذهب است. اما از نظر حکمای اسلام آنان نیز تعلیم قرآن را بکودکان واجب دانسته‌اند و حکیم ابوعلی ابن سینا که تعالیم او در فلسفه و حکمت هزار سال است در سراسر ممالک اسلام رواج دارد نیز در کتاب السياسة^۲ اشاره بدین معنی کرده و میگوید:

«فاذا اشتدَّت مفاصل الصَّبِيِّ واستوى لِسَانُهُ وتَهَيَّأَ لِلتَّلَقُّينِ وَوَعِيَ سَمْعُهُ اخذ في تعلِّم القرآن وصور له الحروف الهجاء ولقِّن معالم الدين ...» و پس از آن میگوید: «واذا فرغ الصَّبِيُّ من تعلِّم القرآن وحفظ اصول اللغة نظر عند ذلك الى مايراد ان تكون صناعته...»



وهم از قرون اول و دوم هجری هنگامی که خلفای اموی و عباسی پایهٔ مدنیت

۱ - احیاء العلوم، باب ۲ کتاب ۲

۲ - کتاب السياسة لابن سینا - مطبعة کاتولیکية بیروت، ص ۱۴

اسلامی را در دمشق و بغداد مینهادند و قوم عرب را از بداوت و سادگی بادیه و صحرا به حضارت و تمدن شهر و قری سوق میدادند، از سنن ایشان یکی تعیین دانشمندان و بزرگان لغت و ادب، و بالاخص علماء علم قرائت قرآن، بمعلمی بود که به فرزندان خردسال ایشان قرآن شریف را بیاموزند و اینگونه معلمین را به عطایا و هدایای بسیار قرین امتیاز میداشتند. نمونه بارز این معنی در سرگذشت ابوالحسن کسائی قاری مشهور دیده میشود، که خود از قراء سبعة بود و بررسی او در علم قرائت متفق علیه خاص و عام است. هرون الرشید خلیفه عباسی او را به آموزگاری فرزند خود محمد امین برگزید. وقتی او را ده هزار درم وجه نقد و جاریه و خادمی و مرکوبی جایزه داد، و او را با خود بسفر خراسان برد و چون در سال ۱۸۹ هجری درری وفات یافت چندان متأسف گشت که گفت: « دُفِنْتُ الْفَقْرَ وَ الْعَرَبِيَّةَ بِاللَّيْلِ »^۱

این سیرت و روش که در دربار خلفا متداول بود در نزد وزرا و امراء ایشان، سپس در سراسر ممالک اسلام در نزد ملوک و پادشاهان محلی نیز مرسوم گردید، و اندک اندک به عامه مردم سرایت کرد. همه جا تدریس قرآن شریف در مکاتب و دبستانها بکودکان معمول شد تا بحدی که در جوار مدارس جلیله که برای طلاب علوم عالیة فقه و ادب و حکمت بنا میکردند مکان مخصوصی نیز بنام دارالقرآن میساختند که در آنجا کتاب مجید را بکودکان میآموختند. بقایای خرابه دارالقرآن مدرسه مستنصریه در بغداد که از آثار قرن هفتم هجری است هنوز موجود است^۲ و چنانکه مؤرخین نوشته اند آن بنا از زیبا ترین ابنیه و قصور بنی عباس بوده است که نقش و نگار و بدایع صنایع آن در آن شهر هنوز موجب اعجاب بینندگان است.

باری موضوع تدریس قرآن باطفال در سراسر ممالک اسلامی در طول قرون و اعصار معمول و رائج گشت. در شرح حال بزرگان ادب و فلسفه و تصوف غالباً دیده میشود که ایشان در هنگام صبا بتعلیم و حفظ قرآن اشتغال داشته اند.

۱ - وفيات الاعيان، ج اول

۲ - رجوع شود به - الآثار التاريخية فی بغداد

پیرهرات (خواجہ عبداللہ انصاری) در شرح حال خود گفته است^۱: «در
هنگام کودکی بامداد بمقبری شدمی و قرآن خواندمی و چون باز آمدمی بدرس
شدمی...»

سعدی را از روزگار کودکی داستانی است که از علاقه اهل زمان او بقرآن
مجید حکایت میکند:^۲
«یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی و شب خیز و مولع زهد و برهیز،
شبی در خدمت پدر نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار
گرفته...»



در ضمن اشعار فارسی منظومه ها و قطعات و ابیاتی در فضیلت تعلیم قرآن
بکودکان و کیفیت رواج مصحف بسیار بدست می آید، از آن جمله است این قطعه که
از قدما روایت شده است:

«گریکبخت خواهی فرزندی را همیشه
آموزش ای برادر قرآن و خط و پیشه،
آنکس که خط نخواند یا پیشه نداند،
ناچار پیشش آید بیل و کلنگ و تیشه،
گر قوتی ندارد در کار تیشه رانیدن
ناچار خرچراند در کوه و دشت و بیشه!»

غنیمت لاهوری (مولوی محمد اکرم پنجابی متوفی ۱۱۰۸) در مشنوی نیرنگ
عشق^۳ که منظومه لطیفی است حکایتی بدیع آورده و پرده زیبائی از رفتن
«شاهد» که طفلی است نوآموز به مکتب رسم کرده، که در آنجا عزیزه دل داده او
به بهانه فروش «سی پاره» بنزد او میرود و سی پاره دل را میدهد و نظره محبت
محبوب را می ستاند. چون این قطعه دور نمای کاملی از مکتب کودکان متعارف در

۱ - نفحات الانس،

۲ - گلستان.

۳ - چاپ لکنؤ، مطبعه نول کشور سن ۵۰.

ممالک شرقی اسلامی است و قلم شاعری شیرین زبان آنرا به لطیف ترین وجهی طراحی کرده نقل آن در اینجا خالی از ظرافت نیست .

« شنیدم دوش از طرز آشنائی	که از مکتب نکوتر نیست جایی -
مرا روزی بدل شوق آشنا شد	کتاب صبر را شیرازه وا شد ؛
بامید تماشای نگاری	نمودم جانب مکتب گذاری -
بر آمد بر در مکتب خروشم	که « من سی پاره دل میفروشم »
بگوش شاهد آمد ناله من ،	بغل پرورده تیغاله من -
مرا از مهربانیها درون خواند	خرد از مهری بیرون در ماند ؛
بگفتا - پیشتر آ ، پیش رفتم	تکلف بر طرف ، از خویش رفتم ،
ز دست من بصد اعزاز برداشت	غلط گفتم بچندین ناز برداشت .
ز مهر اول غبارش را بر افشاند ،	پس آنکه سوره اخلاص بر خواند ،
پسندش کرد و گفتا - من خریدار ،	بگفتم - ار شود طالع مددگار
بگفتا - قیمتش ؟ گفتم - نگاهی ،	بگفتا - کمترک ، گفتم - که گاهی ؛
بگفتا - یافتم زین پیش مفروش ،	مبادا بشنود آخوند ، خاموش ؛

هم در این اواخر استاد فقید مرحوم ملک الشعراء بهار خراسانی قطعه بدیع نظم فرموده و در آن حکایت دختری را وصف میکند ، اعجمی نژاد پارسی زبان که در نزد شیخی عربی لسان در شهر بصره بدرس قرآن مشغول بود ، و قرائت خود را تصحیح میکرد . حنجره او را امکان تلفظ آهنگ « ضاد » چنانکه معهود « ناطقین بالضاد » است نبود ، از اینرو « ضلال مبین » گفتن نمیتوانست و « دلال مبین » میگفت . این قطعه لطیف را در اینجا یاد میکنیم که از رسم قرائت مبتدیان در نزد استادان نموداری روشن است خاصه که متضمن لطائف و ظرائف گفتار و استعارات و ایهامات بدیع نیز میباشد :

« دیدم ببصره دختر کی اعجمی نژاد
روشن نموده شهر بنور جمال خویش
میخواند درس قرآن در پیش شیخ شهر

و از شیخ دل ربوده بگنج و دلال خویش
 میداد شیخ درس ضلال مبین بدو
 و آهنگ «ضاد» رفته باوج کمال خویش
 دختر نداشت طاقت گفتار حرف «ضاد»
 با آن دهان کوچک غنچه مثال خویش
 میداد شیخ را بدلال مبین جواب
 و آن شیخ مینمود مکرر مقال خویش
 گفتم بشیخ - راه ضلال اینقدر میوی
 کاین شوخ منصرف نشود از خیال خویش
 بهتر همان بود که بماند هر دو
 اودر دلال خویش و تواندر ضلال خویش.



تا اینجا سخن از تاریخ تعلیم قرآن بنو آموزان دبستان در نزد اقوام و امم
 مسلمان بود. اکنون از چگونگی آن تعلیم و تحولی که در این اواخر از نظر فن تعلیم
 و تربیت در این امر روی داده است از اشارتی گریز نیست :

در ممالک عربی زبان تدریس قرآن در مدارس ابتدائی به کودکان خردسال اندک
 صعوبت و اشکال بظهور نیامد، و تا امروز در مکاتب رباط و تونس و طرابلس و قاهره
 و دمشق و بغداد و جدّه و عدن و دیگر شهرهای عرب همه جا برسم هزار ساله اطفال
 نوآموز با نهایت سهولت به تعلیم قرآن مشغول هستند، و آموزش کتاب الله نه تنها
 از جهت تیمن و تبرک و فوائد دینی ایشان را بکار است، بلکه در تمرین لسان و تکمیل
 ادب و تعلیم لغت آن کتاب مبین بهترین نمونه کامل و مثل اعلی می باشد که اقتداء بآن
 ایشان را بعالیترین مرتبه از فن ادب رهبری میکند.

علامه ابن خلدون در مقدمه خود فصلی مفرد آورده است در باب تعلیم قرآن
 بکودکان و چگونگی اختلاف طرق آن در ممالک اسلامی (عربی زبان)، و سخن
 را چنین آغاز میکند: «ان تعلیم الولدان للقرآن شعار من شعائر الدین اخذ به اهل
 الملة، و درجوا علیه فی جمیع امصارهم، لما یسبق فیهِ الی القلوب من رسوخ الایمان

وعقاید من آیات القرآن و بعض متون الاحادیث. و صار القرآن اصل التعليم الذی یبنی علیه ما یحصل بعض من الملكات ... »

پس از آن با سلوب مختلفی که اهل مغرب و اندلس و افریقیه در باب تعلیم قرآن دارند اشارت نموده، سپس درباره سبک مردم ممالک شرق (اقطار کشورهای غیر عربی که خود از آنجا دور بوده است) بمنقولات و مسموعات اکتفا کرده ، چنین می گوید :

« أما اهل المشرق فیخاطبون فی التعليم کذا لک علی ما یبلغنا، ولا ادري یم عنایتهم منها ، و الذی ینقل لنا ان عنایتهم بدراسة القرآن و صحف العلم و قوانینه فی زمن الشبیهة ، و لا یخاطبون بتعليم الخط عندهم قانون و معلمون له علی انفرادہ کما تتعلم سائر الصنائع ... »

در پایان مقال علامه ابن خلدون بطریقه خاصی که قاضی ابوبکر بن العربی در کتاب خود « رحله » در طریق تعلیم اولاد وضع کرده است اشاره میکند ، خلاصه کلام وی اینست که قاضی ابوبکر بن العربی در وجه تعلیم اطفال راهی غریب رفته است : وی تعلیم عربیت و شعر را مقدم بر سائر علوم قرار میدهد و شعر را دیوان عرب مینامد ، و قبل از سائر علوم می شمارد ، و سپس بتعلیم حساب میپردازد و تمرین آن را در درجه دوم میگذارد ، و تعلیم قرآن را در مرحله سوم گذاشته است ، و میگوید : « و یا غفلة اهل بلادنا فی ان یوخذ الصبی بکتاب الله فی اول امره یقره ما لا یفهم و ینصب فی امر غیر اهم علیه ... » بعد از آن علم اصول دین ، و سپس فقه و بعد از آن جدل ، و در مرحله منتهی حدیث و علوم آنرا قرار داده است .

ابن خلدون پس از آنکه طریقه قاضی مذکور را ذکر میکند از خود چنین اظهار عقیده مینماید :

« وَهُوَ لِعَمری مذهبٌ حسنٌ إلا ان العوائد لا تساعِد علیهِ ، وهی

املك بالاحوال ، و وجهه ما اختصت به العوائد من تقدم دراسة القرآن
ايناراً للتبرك و الثواب و خشية ما يعرض للولد في جنون الصبا
من الآفات و القواطع عن العلم ، فيفوته القرآن ...»



اما در ممالك اعجمی زبان مانند اقوام و ملل فرس و ترك و هند و چین و غیرهم
تعلیم کتاب مجید در دبستان مورد گفتگو و بحث معلمین و اساتید فن تربیت است
و یکی از مسائل غامضه تعلیمات ابتدائی را در آن بلاد بظهور آورده است . هر چند در
این ممالك کم و بیش تا اواخر قرن نوزدهم « سور مفصلات » یعنی سور قصار که غالباً
در جزء سی ام قرآن مجید واقع شده اند (از سورة النبأ تا سورة الاخلاص) جدا گانه
برای کودکان بچاپ آورده ، و آنرا نخستین سبق نو آموزان شش یا هفت ساله قرار
میدادند ، و آن سور را بتدریج بآنها تاسن رشد و بلوغ میآموختند . خرد سالان نیز
الفاظ و آیات را فرا گرفته بدون فهم و درك معنی تکرار میکردند - از اوایل قرن
حاضر که در ممالك شرق اصول فنی « پدا گوژی » رواجی کامل یافت و دبستانهای نوین
سبک جدید برپا شد در باب تعلیم قرآن بنهجی که فهم قرآن غایت مقصود باشد نه
تکرار الفاظ ، عقاید و آراء تازه بظهور رسید . و در غالب بلاد اندك اندك در صدد
برآمدن که از حفظ و ضبط کمیت آیات بکاهند ، و بر تفهیم و درس کیفیت معانی
آن بیفزایند .

در آن میان کشور ترکیه جدید که در سنین اخیر راه و رسم اروپائیان را در
تمام شؤون اجتماعی خود تقلید کرده است و خط لاتین را برای تحریر و کتابت
اختیار نموده و زبان ترکی را از لغاتی که بزعم آنها بیگانه بود پیراسته ، از جمله
تغییراتی که در سبک تعلیم و تربیت در کشور خود بکار بردند یکی آن بود که تدریس قرآن
مجید را بلسان عرب نه تنها در مکاتب ابتدائی بلکه در تمام معابد و مدارس منع نمودند
و گفتند بترجمه آن باید اکتفا کرد . مطالعه و تحقیق در قرآن مجید را که بلسان عربی

میین وارد است بمدارس عالیہ ادب و مراکز عالیہ علوم نقلیہ منحصر ساختند ، و بین دین و دولت از این راه جدائی و انفصالی قائل گشتند .

این عمل در سراسر ممالک اسلامی مورد اشکال و تنقید و اعتراض علما قرار گرفت^۱ اما در ممالک دیگر شرق که مشتمل است بر مسلمانان چین و اندونزی و هندوستان (بنگال و پنجاب و سند) و بلوچستان و افغانستان و ایران مراکز و معاهد علمی کم و بیش تعلم قرآن را بلسان عرب ضروری دانستند ، و تعلیم سورة الحمد و الاخلاص و نماز را بهر بی و واجب شمردند ، منتہی ہر یک از این ملل بہ سلیقہ خود سبک و روشی دیگر گونه اختیار کردند و در بعضی از این بلاد تدریس قرآن را با ترجمہ آن بزبان محلی خود آمیختہ اند .



در ایران تا سال ۱۳۱۶ شمسی تدریس جزو آخر قرآن (عم جز) در دبستانها باطفال نوآموز رایج و متداول بود ، در آنسال بر حسب تجویز شورای عالی معارف چند تن از فضلاز قرآن مجید آیاتی چند در حدود یکصد آیت برگزیدند مشتمل بر مواعظ و امثال و حکم ، از آیات الاخلاق و بر آن جملہ از تفاسیر فارسی مانند : تفسیر کبیر طبری ، و تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی ، و مواہب علیہ ملاحسین کاشفی ، منہج الصادقین ملافتح اللہ کاشی ترجمہ سادہ ای کہ حتی الامکان بزبان و فہم کود کان نزدیک باشد بیفزودند - متن آیات را با قلم نسخ و ترجمہ فارسی را با قلم نستعلیق در دو صفحہ مقابل یکدیگر قرار دادند ، و بطبعی زیبا بچاپ رسانیدند ، و آنرا در سراسر دبستانهای کشور جای گزین (عم جزء) قرار دادند ، تا متعلمین از قرائت متن عربی کسب تیمن و تبرک بنمایند و ضمناً بہ قواعد تہجی و اعراب و رسم الخط عربی و بعضی کلمات و لغات عرب آشنا شوند ، و از قرائت ترجمہ فارسی بقدری کہ فراخور عقل کوچک آنهاست از معارف و حقائق بہرہ ور گردند ، و معانی عالیہ آن آیات کریمہ بر صفحہ ضمیر ایشان ہم از عہد صغر منقش گردد و تا آخر عمر نص آن کلمات و معانی آیات در خاطر ایشان راسخ و برقرار بماند .

و این جمله که در مقدمه آن رساله آمده است در اینجا نقل میشود :

« برای آنکه ترجمه از آیات قرآن بفرخورقوت و توانائی ادراك اطفال در کتب مدارس وجود نداشت و خوانندگان از دریافت نتایج و اجر تدبیر در قرآن عظیم بی بهره و محروم بودند ، لذا از طرف وزارت معارف اشارت رفت که از مجموع آیات فرقانی آنچه ادراك آن برای محصلین سال پنجم و ششم مدارس ابتدائی ممکن باشد و تصور حقایق آنها دشوار نیاید تعیین ، و عبارتی هر چه سهلتر که از نظم ظاهری آیات هم برکنار و دور نباشد ، از روی تفاسیر معتبر ترجمه کرده آید ... »

قرائت آن رساله شریفه سالیانی چند در تمام دبستانهای کشور ایران معمول و متداول بود .



این بود خلاصه ای از تاریخ چگونگی تعلیم قرآن شریف بنو آموزان در مدنیت اسلامی که بطور اجمال درین صفحات ثبت گردید .

CALL No. {

۲۹۷۵.۷
۳۷۷

ACC. NO. ۳۵۲.

AUTHOR

حکیت، علی اصغر

TITLE

تعلیم قرآن

Class No. ۲۹۷۵.۷
Acc. No. ۳۵۲.
Book No. ۳۷۷
Author حکیت، علی اصغر
Title تعلیم قرآن

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date

CKED AT THE TIME
E



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

